



آسیب‌های اجتماعی

دکتر فریدالدین حداد عادل | سید میثم موسوی

تصویرگر



در شناخت آسیب‌های اجتماعی نیازمند فهم درستی از چیستی این پدیده هستیم. در ابتدا قصد ندارم آسیب‌های اجتماعی را تعریف کنم. برای این کار به فرصتی بیش از یک یادداشت نیازمندم. اما تمایل دارم به چند موضوع جدی که آموزش‌کاران (کلیه عوامل میدانی درگیر در تربیت، اعم از کارکنان مدرسه و غیره) با آن مواجه هستند اما الزاماً آسیب اجتماعی نیست، اشاره کنم.

شیطنت‌های شدید و جدی دانش‌آموزان که ممکن است تبعاتی منفی برای خودشان یا مدرسه - در ابعاد گوناگون - داشته باشند و نیز هیجان‌های افراطی و گاه زودگذر، اختلاف‌های عمیقاً حیواناً شدید و اعتراض‌های گسترده - در لایه‌های فکری، سیاسی، اداری و آموزشی - الزاماً آسیب اجتماعی نیستند. وقتی چنین مدعایی مطرح می‌شود، منظورمان این است که در جست‌وجوی راه‌حل‌ها و در نحوه مدیریت این مسائل، همیشه الگوبرداری از قواعد و داشته‌های علمی این حوزه راهگشا نیست، بلکه می‌تواند به‌طرزی جدی از هر جهت آسیب‌زا باشد. دانش‌آموزانی که می‌خواهند به دلیلی عرض‌اندام کنند و خودی نشان دهند، با مجموعه‌ای از شاگردانی که درگیر مواد مخدر یا مسائل طلاق و تبعات آن‌ها هستند، حتماً در عرصه‌های مختلف شناخت مسئله و یا تجویز درمان متفاوت‌اند.

آسیب‌های روانی نیز با آسیب‌های اجتماعی تفاوت دارند. اگر امروزه به دلیل کمبود نیروی متخصص، مشاوره اجتماعی و روانی و درسی را معمولاً یک نفر ارائه می‌دهد، ولی از یاد نبریم که گرفتاری‌های روانی دانش‌آموزان مانند انواع اختلال روانی - رفتاری و شناختی مانند «دوقطبی بودن» و ضربه‌های روانی (تروما) و افسردگی پرخاشگری و روان‌گسیختگی (اسکیزوفرنی) و هراس (فوبیا) جنبه روحی و روانی دارند و مواجهه جمعی یا مقابله و درمان، طبق الگوهای مسائل آسیب‌های اجتماعی، خطای فاحش است.

سؤال جدی در مورد آسیب‌های اجتماعی به نقطه آغاز و سرمنشأ این امور برمی‌گردد. ما در مدرسه با برخی آسیب‌های اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، اما خوب است بدانیم، چقدر از این قبیل معضلات و ناملايمات به مدرسه برمی‌گردد و چه میزان از این نارسایی‌ها و آسیب‌ها از بیرون مدرسه نشئت می‌گیرد.

به نظر می‌رسد «خانواده» محور اصلی بررسی آسیب‌های اجتماعی در مدرسه است. آنجا که در شناخت خانواده‌ها کوتاهی می‌کنیم، یا به هیچ وجه تمایزها و تفاوت‌های خانوادگی افراد را مورد توجه قرار نمی‌دهیم، خودمان در دامن‌زدن به مشکلاتی که سرمنشأ آن‌ها خانواده هستند، سهیم هستیم.

اما بخش مهمی از آسیب‌های اجتماعی که در مدرسه با آن مواجه هستیم، ریشه در خانواده دارد و ما در آن سهم داریم، الا اینکه مخاطب و مسائل آن را خوب بشناسیم و در بزنگاه به اقدامات پیشگیرانه یا درمانگرانه اجتماعی بپردازیم. خانواده‌هایی با خصوصیت‌های زیر می‌توانند ایجادکننده انواع آسیب‌های اجتماعی و روانی باشند:

۱. خانواده‌های طلاق؛
۲. خانواده‌های تک‌سرپرست؛
۳. خانواده‌های بدسرپرست؛
۴. خانواده‌های مهاجر و اقلیت‌های قومی و دینی و زبانی؛
۵. خانواده‌های پناهندگان سیاسی، جنگی و...؛
۶. خانواده‌هایی که والدین آن‌ها از حیث شغلی ثبات کاری ندارند؛
۷. خانواده‌هایی که شغل والدین مستلزم سفرهای بی‌موقع و طولانی و غیرقابل پیش‌بینی یا فعالیت در نوبت شب است؛
۸. خانواده‌هایی که به دلایل متفاوت در شرایط نامطلوب اقتصادی فرورفته‌اند و موقعیت اجتماعی و مالی آن‌ها ناگهان تغییر کرده است؛
۹. خانواده‌های دچار طلاق عاطفی.

به فهرست بالا موارد دیگری هم می‌شود افزود، اما در مدرسه اصلی‌ترین اقدام برای جلوگیری از انواع آسیب‌های فردی و جمعی روانی و اجتماعی، پرداختن به شناخت خانواده است. خانواده لازم است خود و اقتضات خود را بشناسد، زندگی و زمانه و هم‌زمانان فرزند خویش را بر این اساس انتخاب، تنظیم و هدایت کند و حتی مدرسه و معلمان خود را انتخاب و راهنمایی کند. مدرسه نیز از سوی دیگر لازم است شناخت جامعی نسبت به خانواده‌ها و مسائل آن‌ها داشته باشد تا از تعارضات بالقوه و بالفعل شاگردان جلوگیری کند و در صورت بروز مشکل، برای شناخت منشأ بحران اطلاع کافی داشته باشند. خانواده نقطه کانونی مسائل مثبت و منفی کودکان و

نوجوانان در مدرسه است.

حال که خانواده جایگاهی چنین بالا و مهم دارد، لازم است در مدرسه‌ها سیاست‌هایی فرهنگی و تربیتی در پیش گرفته شوند که در آن‌ها جایگاه خانواده و اهمیت آن برای دانش‌آموزان بیشتر تبلیغ و ترویج شود. به‌عنوان مثال، باید شناخت اولیه خانواده برای خود دانش‌آموز به‌صورت سامانمند طراحی و مطالبه شود. دانش‌آموز لازم است شغل و زادگاه و سطح زندگی و اتفاقات مهم فامیل خود را خوب بلد باشد و مدرسه وظیفه دارد این امور را با رعایت جوانب تربیتی مطالبه کند.

در پایان به پدیده‌ی نه‌چندان نوظهور بازی‌های رایانه‌ای اشاره می‌کنم. فراگیری و تنوع این نوع سرگرمی که امروزه کودک و بزرگ‌سال را فراگرفته است، می‌تواند هم مقدمه گرفتاری دانش‌آموزان در انواع آسیب‌های اجتماعی باشد و هم به‌عنوان بخشی از زنجیره مسائل آسیب‌های اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. یکی از عوارض اجتماعی نامطلوب بازی‌های رایانه‌ای، حقیقت‌نمایی همه رفتارهایی است که تحقق عینی آن‌ها خیلی دور از ذهن است، اما در عرصه گوشی همراه با رایانه می‌توان آن را به راحتی با میزان بالایی از واقعیت‌نمایی، برای هر رده سنی به سطحی از تجربه بدل کرد. از بازی رایانه‌ای نباید هراسید، اما حتماً باید برای نظارت و هدایت فرزندانمان برنامه دقیق داشته باشیم. یادمان نرود، پدیده‌هایی مانند واقعیت مجازی یا واقعیت افزوده کار ما را در جلوگیری از آموزش و ترویج و تمرین آسیب‌های اجتماعی در عرصه فضای مجازی دشوارتر می‌کنند.